Qur'ān ShināKht _____ **2026, Vol. 18, No. 2, 103-122**

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

10.22034/qoranshenakht.2026.5003778

20.1001.1.20081987.1404.18.2.4.6

The Qur'an and the Place of Resistance in the System of Divine Sunnahs

Qasem Tarkhan / Professor, Department of Theology and New Theology, Research Institute for Culture and Islamic Thought tarkhan@iict.ac.ir

Received: 2026/04/28 - **Accepted:** 2026/07/27

Abstract

God Almighty governs human societies according to fixed and immutable laws called "divine sunnahs." These sunnahs are sometimes conditional upon human action and will and sometimes absolute and non-suspendable. In this context, "resistance" as a social strategy and a purposeful process for preserving identity and confronting domination plays a key role in the realization and manner of operation of many of these sunnahs. Using an analytical-descriptive method and relying on the Qur'an, this article seeks to explain the place of resistance in the system of divine sunnahs. The findings show that the relation of resistance to divine sunnahs is determined by the "status of will" in those sunnahs. In absolute sunnahs, resistance is a reaction after the occurrence of the sunnah and a condition for benefiting from the conditional sunnahs that subsequently operate; in conditional sunnahs, resistance itself is a condition for the realization of the sunnah; and in competitive absolute sunnahs, it affects the quantity and quality of its realization. Accordingly, resistance is not merely an ethical choice but a grand strategy and a structural element in the mechanism of the governance of divine sunnahs over human societies. Understanding this status provides the theoretical framework necessary for analyzing socio-historical developments from a Qur'anic perspective.

Keywords: resistance, divine sunnahs, absolute sunnah, conditional sunnah, establishment of imamate, sunnah of victory, succession of the righteous.

قرآن‌شناخت ـــــــــــــــــــ سال هجدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ص ۱۰۳-۱۲۲
https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0
doi 10.22034/qoranshenakht.2026.5003778
dor 20.1001.1.20081987.1404.18.2.4.6

نوع مقاله: پژوهشی

قرآن و جایگاه مقاومت در نظام سنت‌های الهی

قاسم ترخان / استاد گروه کلام و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی tarkhan@iict.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

چکیده

خداوند متعال، جوامع بشری را بر اساس قوانین ثابت و تغییرناپذیری به نام «سنت‌های الهی» تدبیر می‌کند. این سنن، گاه مشروط به فعل و اراده انسان‌ها هستند و گاه مطلق و غیرقابل تعلیق. در این میان، «مقاومت» به‌عنوان یک راهبرد اجتماعی و فرایندی هدفمند برای حفظ هویت و مقابله با سلطه، نقشی کلیدی در تحقق و چگونگی جریان یافتن بسیاری از این سنن ایفا می‌کند. این مقاله با روش تحلیلی ـ توصیفی و با تکیه بر قرآن، در پی تبیین جایگاه مقاومت در نظام سنن الهی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نسبت مقاومت با سنن الهی بر اساس «جایگاه اراده» در آن سنن تعیین می‌شود. در سنن مطلق، مقاومت واکنشی پس از وقوع سنت و شرط بهره‌مندی از سنن مشروطی است که پس از آن جریان می‌یابد؛ در سنن مشروط، خود مقاومت شرط تحقق سنت به‌شمار می‌رود و در سنن مطلقِ رقابت‌پذیر، در کمّیت و کیفیت تحقق آن تأثیرگذار است. بر این اساس، بلکه راهبرد کلان و عنصر ساختاری در سازوکار حاکمیت سنت‌های الهی بر جوامع بشری است. درک این جایگاه، چارچوب نظری لازم برای تحلیل تحولات اجتماعی ـ تاریخی از منظر قرآنی را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: مقاومت، سنت‌های الهی، سنت مطلق، سنت مشروط، جعل امامت، سنت نصر، استخلاف صالحان.

مقدمه

با نگاهی به آیات قرآن (انبیاء: ۲۵؛ نحل: ۳۶) درمی‌یابیم که توحید جوهره بعثت پیامبران بوده است. توحید نه باور ذهنی صرف، بلکه به منشأ عمل و تشکیل جامعهٔ مبتنی‌بر عدالت اشاره دارد و به‌معنای حاکمیت انحصاری خداوند بر زندگی انسان و نفی سلطهٔ هواها، شهوات، استبداد و استکبار است. ازهمین‌رو پیامبران همواره با صاحبان زر و زور و مستبدان عالم روبه‌رو و شکل‌دهنده یک مبارزه‌ای تاریخی بودند: «اَلَّذینَ آمَنوا یُقاتِلونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَالَّذینَ کَفَروا یُقاتِلونَ فی سَبیلِ الطّاغوتِ» (نساء: ۷۶). این مبارزهٔ مستمر، عامل پیشرفت تدریجی بشریت به سوی معارف الهی بوده است. از صدر اسلام تا امروز، صف‌آرایی استکبار در برابر اسلام همواره با عقب‌نشینی باطل و پیشروی حق همراه بوده است. ازاین‌رو ایستادگی در برابر ظلم، استبداد، زورگویی و جنایات جنایتکاران عالم، یک اصل قرآنی و مقتضای اصل توحید است. قرآن در آیات ۲۲ و ۲۳ سورهٔ فتح: «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»، هرچند قتال با دشمنان را به‌عنوان یکی از اقدامات عینی، فیزیکی و عملیاتی مطرح می‌کند که در بستر زمان و مکان رخ می‌دهد و شامل تجهیز نیرو، برنامه‌ریزی نظامی، مواجهه با دشمن و... می‌شود؛ اما به یک راهبرد کلان در قالب یک سنت الهی نیز اشاره می‌کند که عقب‌نشینی در برابر دشمن، او را جری‌تر می‌سازد و هرگونه ایستادگی در برابر ظلم، استبداد، زورگویی و جنایات جنایتکاران عالم، آنان را ناگزیر به عقب‌نشینی می‌کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۱/۲۵). ازآنجاکه خداوند با سنن تکوینی و تشریعی خود، جهان و جوامع بشری را تدبیر می‌کند، فرایند یادشده در بستر سنت‌های الهی، می‌تواند تحقق‌بخش اهداف نهایی بعثت انبیای الهی باشد؛ ازاین‌رو درک این سنن و نسبتی که میان راهبردهای مقاومت و سنت‌های الهی برقرار است، می‌تواند به‌مثابه نقشه راهی برای حرکت تمدنی به‌شمار آید.

بااین‌حال، جایگاه مقاومت در انواع و اقسام سنت‌های الهی یکسان نیست و تبیین این جایگاه، مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. فرضیه نوشتار آن است که بر اساس جایگاه اراده در سنن الهی (مطلق، مشروط و رقابت‌پذیر)، می‌توان نقش متفاوت، اما حیاتی مقاومت را ترسیم نمود؛ بدین معنا که جریان بسیاری از این سنن، به میزان و نوع مقاومت انسان‌ها و جوامع وابسته است.

در این تحقیق، گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، و پردازش آن، به روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده است.

در سال‌های اخیر هرچند موضوع سنت‌های الهی تا حدودی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، اما نگارنده پژوهشی را در نسبت مقاومت با سنت‌ها نیافته است. ازاین‌رو می‌توان این نوشتار را بدیع و بی‌پیشینه به‌شمار آورد.

بدین‌سان، پس از مفهوم‌شناسی دقیق دو واژهٔ «مقاومت» و «سنت الهی»، نسبت هر یک از اقسام سه‌گانه سنن (مطلق غیررقابت‌پذیر، مشروط و مطلق رقابت‌پذیر) با مقوله مقاومت به تفکیک تحلیل خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱ـ۱. مقاومت

واژهٔ «مقاومت» در زبان عربی اسم مصدر از باب مفاعله (قاومَ، مقاومةً) و ریشهٔ آن «ق و م» به‌معنای ایستادن، برپا

شدن و پایداری در راستای رسیدن به مطلوب است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج۱۷، ص۵۹۶). در لغت‌نامه‌های فارسی نیز به مفاهیمی چون استقامت، استواری، ایستادگی، پافشاری و پایداری ترجمه شده است (نفیسی، بی‌تا، ج۵، ص۳۴۴۷؛ دهخدا، ۱۳۹۰، ج۲، ص۲۷۸۲).

در برخی از کاربردها مقاومت به همین معنا به کار رفته است و با استقامت یکی انگاشته می‌شود؛ برای نمونه، رهبر شهید انقلاب، مقاومت و ایستادگی را از ویژگی‌های امام راحل برمی‌شمارد و در معنای آن می‌گوید: «معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

در کاربرد دیگر، مقاومت، راهبردی مختص جوامع مستضعف و مظلوم است که در شرایط عدم توازن قدرت، با هدف تغییر ساختار سلطه‌گر و رسیدن به جایگاه قدرت، اتخاذ می‌شود (ر.ک. ایزدهی، ۱۴۰۵، مفهوم‌شناسی مقاومت).

راهبرد (Strategy)، نقشهٔ کلان، جهت‌گیری کلی و چارچوب تصمیم‌گیری برای دستیابی به اهداف بلندمدت می‌باشد، اما هر راهبردی برای تحقق، نیازمند طی فرایند است. درواقع راهبرد، «چرایی و کجا رفتن» را مشخص می‌کند، اما فرایند، «چگونه رفتن» را شرح می‌دهد.

مقاومت در سطح فرایندی و عملیاتی، ترکیبی از وجه سلبی و ایجابی، مانند صبر و ایستادگی در برابر استکبار، دفاع و جهاد هوشمندانه، مبارزه غیرمستقیم، تقیه و همچنین تقویت بنیه‌های فرهنگی، علمی و نظامی و... را به کار می‌گیرد که در طول زمان و به ترتیب طی می‌گردند.

در این کاربرد، مقاومت، فراتر از ایستادگی در برابر استکبار و صبر بر ناملایمات جنگ و محاصره اقتصادی است و در نقطهٔ مقابل آن، سازش قرار دارد و ازاین‌رو مترادف با استقامت تلقی نمی‌شود. هرچند استقامت که در نقطهٔ مقابل آن، بی‌صبری قرار دارد به‌عنوان راهکار تحقق اهداف و راهی به سوی پیروزی است.

این پژوهش، هرچند مقاومت را به‌عنوان راهبردی اجتماعی با هدف تغییر ساختار سلطه و بسط حاکمیت توحیدی لحاظ می‌کند؛ اما به مجموعه‌ای از فرایندهای به‌هم‌پیوسته آن نیز اشاره می‌کند که بستری را برای جریان سنت‌های الهی فراهم می‌سازند. در این میان می‌توان استقامت را به‌مثابه رکن اصیل این جریان به‌شمار آورد که برای نیل به اهداف خود، گریزی از آن ندارد. ازاین‌رو هرگاه در ادامه از «فرایند مقاومت» سخن می‌رود، منظور مجموعه اقداماتی است که در چارچوب این راهبرد و برای تحقق اهداف آن صورت می‌گیرند.

۲ـ۱. سنت‌های الهی

مقصود از «سنت‌های الهی» (Divine Laws)، ضوابطی است که خداوند بر اساس آن، پدیده‌های هستی، امور جهان و انسان را تدبیر می‌کند (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج۵، ص۲۳۷؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج۱۶، ص۳۴۰؛ صدر، ۱۳۹۸ق،

ص۵۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص۴۰۹). در قرآن، این واژه درکنار واژه «قدر» که در معنای قوانین جهان طبیعت به‌کار می‌رود، بیشتر برای بیان قوانین تکوینی (نه قوانین تشریعی و اعتباری) حاکم بر حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها استفاده می‌شود (محمدی گیلانی و قربانی لاهیجی، ۱۳۸۵، ص۵۱؛ ترخان، ۱۴۰۳، ص۳۷–۶۱).

سنت‌های الهی را از دو زاویه می‌توان تقسیم کرد:

۱) از نظر سنخ قانون

به دو گونه «تکوینی» و «تشریعی» تقسیم می‌شوند. سنن تشریعی، همان بایدها و نبایدهایی هستند که خداوند از طریق شرع اعتبار کرده است و ناظر به تکلیف‌اند. سنن تکوینی، قوانین حقیقی و نفس‌الامری هستند که بیانگر «هست‌ها و نیست‌ها» می‌باشند (ر.ک. ترخان، ۱۴۰۳، ص۸۸–۸۹). آنچه در این پژوهش مورد نظر است، سنن تکوینی حاکم بر جوامع انسانی است.

۲) از نظر دخالت یا عدم دخالت فعل بشر

سنن تکوینی خود به دو دستهٔ «مطلق» و «مشروط» تقسیم می‌شوند (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص۴۱۹؛ ترخان، ۱۴۰۳، ص۸۹–۹۳). سنن مطلق، آنهایی هستند که تحقق آنها به اراده و فعل انسان بستگی ندارد؛ مانند ابتلا و امتحان یا هدایت انسان‌ها توسط انبیاء؛ اما سنن مشروط، آنهایی هستند که تحقق‌شان منوط به وجود شرطی از سوی انسان است؛ مانند سنت نصر: «اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم» (محمد: ۷). از میان سنن مطلق، برخی «رقابت‌پذیر» و برخی «رقابت‌ناپذیر» هستند. رقابت‌ناپذیر آن است که هیچ عاملی ـ حتی اراده انسان ـ نمی‌تواند در اصل جریان یا کمّ و کیف آن اثر بگذارد (مانند سنت ابتلای مطلق). رقابت‌پذیر آن است که هرچند اصل جریان آن حتمی است، اما انسان می‌تواند با رفتار خود در کمّیت، کیفیت یا سرعت تحقق آن تأثیر بگذارد (ر.ک. صدر، ۱۳۹۸ق، ص۹۲–۱۰۲)؛ مانند سنت استخلاف صالحان که وعده قطعی الهی است و در نهایت محقق خواهد شد، ازاین‌رو انسان‌ها نمی‌توانند از وقوع آن جلوگیری کنند، اما می‌تواند با آن رقابت کرده و زمان آن را به تأخیر اندازند.

با این مقدمه، اکنون می‌توان نسبت مقاومت را با هر یک از این اقسام سه‌گانه (سنت مطلق رقابت‌ناپذیر، سنت مشروط، و سنت مطلق رقابت‌پذیر) تبیین کرد.

۲. نسبت مقاومت با جریان سنت‌های الهی

با توجه به جایگاه اراده در سنن الهی، مقاومت به‌عنوان یک جریان اجتماعی با سنن تمدنی مرتبط می‌شود. رکن اساسی این سنن، استخلاف صالحان است و همه سنت‌ها (فردی، اجتماعی و تاریخی) در این راستا معنا می‌یابند؛ حتی سنن فردی نیز سویه تمدنی دارند (ر.ک. ترخان، ۱۴۰۳، ص۹۳–۱۰۰ و ۴۰۳–۴۰۴).

همان‌گونه که اراده در سنت مطلق رقابت‌ناپذیر، پس از جریان سنت و در سنت مشروط و سنت رقابت‌پذیر، پیش

از جریان سنت نقش‌آفرینی می‌کند، ایستادگی و مقاومت نیز گاهی از نقش پسینی و زمانی از نقش پیشینی برخوردار خواهد بود. توضیح این مطلب، در سه قسمت پی گرفته می‌شود:

۳. نسبت مقاومت با سنت مطلق رقابت‌ناپذیر

سنت‌های مطلق رقابت‌ناپذیر، قوانینی هستند که وقوع آنها هیچ‌گونه وابستگی به اراده انسان ندارد؛ اما پس از وقوع، انسان‌ها و جوامع در مواجهه با آنها دو دسته می‌شوند و عملکرد آنها (ازجمله مقاومت و ایستادگی) تعیین می‌کند که از کدام مسیر هدایت یا امداد بهره‌مند گردند. سه نمونه مهم از این سنن عبارت‌اند از: سنت امداد عام، سنت هدایت عامه و سنت ابتلاء.

جبهه مقاومت با شناخت این‌گونه سنن و تحقق ایستادگی پس از آن می‌تواند برای خود زمینه‌های جریان سنن مشروطی را که به تحقق اهداف این جبهه یاری می‌رساند، فراهم سازد.

۱ـ۳. سنت فیض و امداد عام

فیض عام الهی شامل همه موجودات است و نعمت‌های مادی همچون آب و غذا را برای همه انسان‌ها، اعم از مؤمن و کافر، فراهم می‌آورد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج۱۲، ص۵۸). این سنت تا زمانی که به اراده انسان وابسته نباشد، مطلق و غیررقابت‌پذیر است: «كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء: ۲۰)، اما در بستر اجرای اجتماعی، وارد محدوده سنت مشروط می‌شود؛ هرچند برخی از بزرگان، سنت امداد را مشروط دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص۴۱۹). این سخن با توجه به آیات ۱۸–۱۹، مطلب درستی به نظر می‌رسد، اما بر اساس آیهٔ ۲۰، می‌توان استنباط کرد که این سنت مشروط ذیل یک سنت مطلقی قرار دارد (امداد عام) که حکایت می‌کند هیچ‌کس از فیض عمومی وجود محروم نیست (ترخان، ۱۴۰۳، ص۱۶۲–۱۶۹). بر این اساس، انسان‌ها اگر با اراده خود تنها دنیا را انتخاب کنند، امداد خدا شامل حالشان می‌شود و به مقصود خود نائل خواهند آمد: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا» (اسراء: ۱۸)؛ هرچند «مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ» دلالت بر بهره‌مندی حداکثری از دنیا ندارد و قرآن در آیه‌ای دیگری نیز به صراحت تأکید می‌ورزد که به جویندگان دنیا، نصیبی از آنچه طلب کرده‌اند، داده می‌شود: «مَنْ كانَ يريدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فی حَرْثِهِ وَ مَنْ كانَ يريدُ حَرْثَ الدُّنْيا نُؤْتِهِ مِنْها وَ ما لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصيبٍ» (شوری: ۲۰)؛ کسی که زراعت آخرت را بخواهد، بر زراعتش می‌افزاییم و کسی که زراعت دنیا را بخواهد، اندکی از آن را به او می‌دهیم؛ ولی او را در آخرت هیچ بهره و نصیبی نیست.

اما اگر انسان برای دستیابی به دنیا و آخرت، اراده و تلاش کند، خداوند هر دو را شامل حالشان می‌کند: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (اسراء: ۱۹). این امداد ویژه‌ای است که شامل حال انسان ها و جوامع خواهد شد، اگر شرایطی مانند سعی و تلاش را برای خود فراهم سازند. قرآن با اینکه صبر و نماز را، به‌عنوان ابزاری برای دریافت امداد الهی برمی‌شمارد: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره: ۴۵)، نقش

استقامت را کم‌اهمیت جلوه نمی‌دهد و از معیت خداوند با صابرین سخن گفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳). ازاین‌رو می‌توان استقامت را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مقاومت مهم تلقی و بر این نکته اذعان کرد که نماز بدون صبر و ایستادگی در میدان عمل، تضمین‌کننده پیروزی نیست.

قرآن از امداد فرشتگان در جنگ بدر این‌گونه خبر می‌دهد: «بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُسَوِّمِين» (آل‌عمران: ۱۲۵). بر اساس این آیه، امداد ویژه، مشروط به استقامت‌ورزی و پیشه‌ساختن تقوا است که در صورت تحقق این شرایط و نزول فرشتگان، حصول پیروزی قطعی است و هیچ‌یک از اسباب مادی نمی‌توانند از آن ممانعت کنند و بر فرشتگان فائق آیند.

قرآن برای دستیابی به جامعهٔ ایمانی در نبرد تمدنی، چهار مرحله را ترسیم می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل‌عمران: ۲۰۰). «اصبروا» صبر فردی بر طاعت و مصائب، «صابروا» پایداری جمعی در برابر دشمن، و «رابطوا» مراقبت از مرزهای اعتقادی و جغرافیایی یا ارتباط با امامان﵈ است (برازش، ۱۳۹۴، ج۲، ص۸۹۴ـ۸۹۶). «اتقوا الله» تقوای الهی را بیان می‌کند که مؤمنان را از دیگران متمایز می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج۱۶، ص۷۶۹ـ۷۸۰).

در این آیه، هرچند با خطاب به مؤمنان، مراحل چهارگانه‌ای برای دستیابی به نقطهٔ فلاح مطرح شده است؛ اما می‌توان این مراحل را در راستای سنت الهی امداد تحلیل کرد. با این توضیح که مراحل سه‌گانه اول بر تمامی جوامع حاکم است؛ زیرا بدون صبر فردی و جمعی و ارتباطات اجتماعی، نظام‌های اجتماعی سکولار نیز نه ایجاد خواهند شد و نه پیشرفتی نصیبشان می‌شود. جبهه کفر نیز اگر سه مرحلهٔ اول (صبر، مصابره و مرابطه) را رعایت کند به موفقیت‌هایی نائل می‌شود، اما ایجاد جامعه‌ای مبتنی‌بر فلاح و سعادت حقیقی تنها زمانی تحقق می‌یابد که تقوا نیز بدان مراحل گذشته افزوده شود. در این صورت است که زمینه برای جریان سنت امداد ویژه و پیشرفت کوثری فراهم می‌شود (ترخان و جهانیان، ۱۴۰۱، ص۹–۳۵). این تفاوت بنیادین میان الهیات مقاومت اسلامی و سکولار را نشان می‌دهد: در نگاه سکولار، تنها صبر و سازماندهی کافی است، اما در نگاه اسلامی، تقوا و اخلاص را باید به شرط پیش‌گفته افزود تا سنت ویژه‌ای مانند سنت نصر که از مصادیق سنت امداد مشروط است، تحقق یابد.

درهرحال، ازآنجاکه سنت امداد عام، مطلق و غیرقابل تعلیق است، جایگاه مقاومت را نباید «پیش از وقوع» آن دانست؛ بلکه برای تحقق امداد مشروط نیازمند مقاومت و پایداری است: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹). هرچند بسیاری از مفسران معتقدند که آیهٔ فوق، از نظر سیاق و هدف اصلی، ناظر به امور آخرت و پاداش‌های اخروی است، اما به دلیل استوار بودن بر یک اصل عقلی، شامل تلاش‌های دنیوی نیز می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۲۲، ص۵۵۳). به‌عبارت‌دیگر، این آیه یک قانون کلی را بیان می‌کند که هم در دنیا و هم در آخرت جاری است.

۲ـ۳. سنت هدایت عامه و خاصه

سنت هدایت عامه عبارت است از: ارسال رسولان و نزول کتب آسمانی (یونس: ۴۷؛ نحل: ۱۵؛ نساء: ۱۶۴؛ قصص: ۵۹؛ اسراء: ۱۵) و جعل عقل فطری برای هدایت انسان‌ها و اتمام حجت بر همگان. این سنت مطلق و غیررقابت‌پذیر است؛ اما در مواجهه با این هدایت عام، انسان‌ها دو دسته می‌شوند: گروهی ایمان می‌آورند و هدایت خاصه (توفیق و ولایت) شامل حالشان می‌شود و گروهی کفر می‌ورزند و دچار سنت اضلال می‌گردند. این مرحلهٔ دوم (هدایت خاصه) دیگر یک سنت مشروط است که تحقق آن به اراده و مقاومت انسان (در پذیرش حق و استقامت بر آن) وابسته است. قرآن در راستای تحقق اهداف انبیای الهی (که در مقدمه بدان اشاره شد) از جهاد در راه خدا سخن به میان می‌آورد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹). «جهاد» در این آیه، مفهومی وسیع دارد و شامل هرگونه تلاش و مقاومت در راه خدا می‌شود. نتیجه آنکه پس از جریان سنت مطلق هدایت انسان‌ها توسط انبیای الهی، مقاومت (جهاد) شرط جریان سنت مشروطی را فراهم می‌سازد که از آن به هدایت پاداشی تعبیر می‌شود و با معیت الهی همراه است.

۳ـ۳. سنت ابتلای مطلق

یکی از گسترده‌ترین سنن مطلق، سنت ابتلاء و آزمایش الهی است. قرآن می‌فرماید: «أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲). همچنین در آیه دیگر آمده است: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵).

این سنت، شامل افراد و جوامع می‌شود. امتحان الهی نه‌تنها در بلاهای فردی، بلکه در جنگ‌ها، محاصره‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی نیز تجلی می‌کند. هیچ انسان و هیچ جامعه‌ای از این سنت مستثنا نیست؛ ازاین‌رو ابتلاء یک سنت مطلق رقابت‌ناپذیر است. بر این اساس، ابتلاء الهی هرچند به صورت مطلق بر همهٔ جوامع جاری است، اما مستضعفانی که در شرایط نابرابر قدرت (استضعاف) در برابر استکبار ایستاده‌اند، با به‌کارگیری مقاومت به‌عنوان راهبرد بلندمدت، از سنت امداد ویژه بهره می‌برند. این مقاومت، از صبر بر بلا آغاز می‌شود (وجه سلبی) و تا تقویت بنیه علمی و نظامی (وجه ایجابی) ادامه می‌یابد و هدف آن تغییر ساختار قدرت سلطه‌طلب است.

معنای این سخن آن است که آنچه پس از وقوع ابتلاء مهم است، نوع مواجهه انسان با آن است. بر اساس آیهٔ فوق الذکر: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»، مقاومت (صبر) در برابر ابتلاء، شرط بهره‌مندی از امداد ویژه و رسیدن به مراتب بالاتر (مانند امامت) است. به‌عبارت‌دیگر، سنت ابتلاء جاری می‌شود و انسان‌ها ناگزیر از مواجهه با آن هستند؛ اما کسانی که در این مواجهه، صبر و استقامت به خرج دهند، وارد مرحله سنن مشروط می‌شوند.

بر این اساس، در سنن مطلق رقابت‌ناپذیر، استقامت، نقشی در اصل وقوع سنت ندارد، اما نقشی حیاتی در جهت‌دهی به نتایج آن و بهره‌مندی از امدادهای ویژه ایفا می‌کند. این نقش، یک نقش «پسینی» و «شرط لازم برای مراحل بعدی» می‌باشد.

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که پس از هر سنت مطلقی سنت مشروط قرار دارد و برای تحقق آن سنت مشروط باید تلاش کرد و استقامت ورزید. درواقع، جریان مقاومت اسلامی با استفاده از سنن مطلق سه‌گانه‌ای که بیان شد می‌تواند وارد مرحله سنت مشروط شود و در مقابله با ظالمان و مستکبران از امدادهای ویژه و هدایت‌های خاصه و... بهره‌مند شود و این نشان می‌دهد پیروزی مستضعفانِ مقاوم، در برابر مستکبران عالم، نه از روی برابری قدرت، بلکه در سایهٔ استقامت و با توکل بر امدادها غیبی صورت می‌پذیرد.

۴. نسبت مقاومت با سنت‌های مشروط

همان‌گونه که بیان شد سنت‌های مشروط آن دسته از قوانین الهی هستند که تحقق آنها بدون وجود شرط از سوی انسان ممکن نیست و به اراده انسان بستگی دارند. هرچند تعداد این قوانین فراوان‌اند، اما در این نوشتار به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. در تمام این موارد، مقاومت آنگاه که به فرایند اجتماعی و سازمان‌یافته تبدیل شود به‌عنوان شرط اصلی و پیشینی جریان سنت مشروط عمل می‌کند و می‌تواند در کنار شروط دیگر زمینه‌های پیروزی مستضعفان در برابر استکبار را فراهم آورد.

۱ـ۴. مقاومت شرط جریان سنت نصر

همان‌گونه که بیان شد، خداوند اگرچه هر دو گروه حق و باطل را امداد می‌رساند، اما نسبت به جریان حق و حقیقت، در قالب سنن مشروط، توجه ویژه‌ای را مبذول می‌دارد. یکی از مصادیق این سنت ویژه، سنت نصر است: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر: ۵۱).

در سورهٔ شعراء آیات ۶۱ و ۶۲ می‌خوانیم: «فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ * قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ چون آن دو گروه یکدیگر را دیدند، اصحاب موسی گفتند: حتماً ما به چنگ آنان خواهیم افتاد. خداوند فرمود: عصا را بزن... .

این آیه، بیان می‌کند که برای بنی‌اسرائیل به‌عنوان نماد نقطه ضعف، در برابر دریا و دشمن پشت سر، هیچ راه مادی قابل تصور نبود، اما موسی با ایمان به سنت هدایت خاصه و نصرت الهی، راه مقاومت نه تسلیم را پیشنهاد می‌دهد و اینجاست که راه نجاتی برای آنان گشوده شد و به امداد الهی از بن‌بست خارج شدند. اما این یاری، بدون شرط نیست. شرایط آن در آیات متعددی بیان شده است.

قرآن در داستان طالوت و جالوت (بقره: ۲۴۹–۲۵۰) بیان می‌کند که گروه اندک مؤمن، با صبر بر آزمایش الهی و استغاثه، توانستند مقاومت خود را در برابر دشمن قدرتمند سامان دهند و زمینهٔ نصرت الهی را فراهم آورند. این داستان، الگویی کامل از مدیریت بحران، آزمایش ایمان، و رمزهای پیروزی در نبرد حق علیه باطل را ارائه می‌دهد. در آن میدان، دو بار سپاه مؤمنان مورد «آزمایش» و در نهایت «تصفیه» قرار گرفتند: تصفیه اول: جدا شدن کسانی که به بهانه‌های دنیوی از همراهی باز ماندند (کسانی که کاملاً از آب نوشیدند و از سپاه خارج شدند)؛ تصفیه دوم: آزمایش کسانی که فقط

یک مشت نوشیدند. وضعیت این گروه در آن لحظه کاملاً روشن نشد و آزمایش دوم (مواجهه با دشمن) تعیین‌کننده نهایی بود که آیا آنها واقعاً از یاران طالوت هستند یا خیر (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج۲، ص۴۴۲؛ ۱۳۹۰، ج۲، ص۲۸۳ـ۳۱۰). این گروه با دیدن لشکر عظیم دشمن روحیهٔ خود را باختند و گفتند: «لا طاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ» (امروز توانایی مقابله نداریم). اما گروهی اندک که ایمانی راسخ داشتند و حتی یک جرعه آب هم نخورده بودند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۲، ص۲۴۳)، بر این واقعیت توکل کردند که: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره: ۲۴۹). این آیه به «فئه قلیله» (گروه اندک) در برابر «فئه کثیره» (گروه بسیار) اشاره دارد و به صراحت اساس مقاومت به‌عنوان یک راهبرد کلان را از نقطه ضعف تبیین می‌کند که پیروزی «فئه قلیله» به‌عنوان نماد مستضعفان بر «فئه کثیره» به‌عنوان نماد مستکبران، نه با عدد، بلکه با صبر و اذن الهی حاصل می‌شود.

این گروه باایمان، در کنار استقامت، دعا کردند و خداوند نیز وعده خود را محقق ساخت: «قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». آنها از خدا خواستند صبر و استقامت را به صورت فراوان و کامل (مانند ریختن آب از ظرف تا آخرین قطره) بر آنها بریزد. این درخواست نشان‌دهنده نیاز به بالاترین درجه صبر درونی و روحی است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۲، ص۲۴۵). این آیه از شرط دیگری با عنوان استغاثه و دعا حکایت دارد که باید به استقامت درونی و روحی (افرغ علینا صبرا) و ثبات قدم (ثبات قدم نتیجهٔ طبیعی صبر درونی است) ضمیمه شود.

این الگو در غزوه بدر، بار دیگر تکرار شد. در جنگ بدر، نبردی کاملاً نابرابر رقم خورده بود. از یک‌سو سپاه اسلام با ۳۱۳ نفر (نابرابری در تعداد نیروها)، ۲ اسب، ۷۰ شتر، ۶ زره و ۸ شمشیر (کمبود شدید تجهیزات نظامی)، و از سوی دیگر، سپاه کفر با ۹۵۰ نیروی زره‌پوش، ۱۰۰ اسب و ۷۰۰ شتر. اما نتیجه با محاسبات مادی فرق داشت؛ ۷۰ تن از سران کفر به هلاکت رسیدند و ۷۰ نفر اسیر شدند، درحالی‌که از سپاه اسلام تنها ۲۲ شهادت داده بودند (ر.ک. مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۲، ص۴۵۲؛ ج۳، ص۷۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج۳، ص۴۵).

راز این پیروزی شگفت‌انگیز گروه اندک (که جبههٔ مقاومت در صدر اسلام را شکل داده بودند) با تجهیزات ناچیز چه بوده است؟

آیات ۱۲۳ تا ۱۲۵ سورهٔ آل‌عمران که به نصرت و یاری خدا در جنگ بدر می‌پردازد، آن را مشروط به استقامت و تقوای الهی کرده است: «بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا...».

قرآن در کنار عوامل یادشده از عامل استغاثه نیز یاد می‌کند: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال: ۹). این آیه، به دعای تاریخی پیامبر اکرمﷺ اشاره دارد که در آن، پیامبر سرنوشت عبودیت در زمین را به بقای آن گروه مؤمن گره زد: «اللَّهُمَّ إِنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي... إِنْ تُهْلِكْ هَذِهِ الْعِصَابَةَ لَمْ تُعْبَدْ فِي الْأَرْضِ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۱۷۰)؛ خداوند نیز بلافاصله این استغاثه پیامبر و مؤمنان را با فرستادن هزار فرشته پاسخ داد.

آیهٔ ۷۵ سورهٔ نساء به صراحت از مستضعفانی سخن می‌گوید که در برابر استکبار، راهی جز هجرت و قتال ندارند و خداوند برای آنان به‌عنوان یاری‌دهنده معرفی می‌شود: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا». این آیه، دقیقاً وضعیت مستضعفانی را ترسیم می‌کند که از سوی حاکمان ظالم (استبداد داخلی) تحت فشارند و خواهان ولی و نصیری از جانب خداوند هستند. مقاومت آنان نه از موضع قدرت، بلکه از موضع ضعف و استضعاف آغاز می‌شود و با درخواست جریان سنت نصر استمرار می‌یابد.

آیهٔ ۱۳۸ سورهٔ آل‌عمران، با یادآوری سنت‌های تاریخی، به مستضعفان امید می‌دهد که شکست‌های مقطعی نباید آنان را از راهبرد مقاومت دور سازد: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ». این آیه به مستضعفان عالم می‌گوید که تاریخ پر از سنت‌هایی است که نهایتاً به نفع صابران رقم خورده است. مقاومت مستضعفان، یک راهبرد آزمون‌شده در طول تاریخ است و لذا پیروزی آنان را باید در بستر تمدنی دید. خداوند دفاع از مؤمنان (حج: ۳۸) و نصرت آنان را به‌عنوان یک حق، بر خود لازم فرموده است (روم: ۴۷)؛ اما این سنت، هم شامل پیروزی‌های فوری و کوتاه‌مدت در میدان نبرد و هم شامل پیروزی‌های بلندمدت فکری و فرهنگی می‌شود که گاه با فداکاری و شهادت‌طلبی همراه است. بر این اساس، واقعهٔ عاشورا و قیام امام حسین﵇ مصداق بارز این سنت الهی است. در کربلا، هرچند ظاهر نبرد به سود دشمن رقم خورد، اما یاری ویژه خداوند شامل امام حسین﵇ شد؛ نه در قالب پیروزی نظامی، بلکه در قالب بقای پیام آن حضرت که هرگونه استبداد و ستم را در تاریخ، به چالش کشید و خونی تازه‌ای را در رگ‌های جبهه مقاومت جاری ساخت.

نتیجه اینکه، سنت نصر اگرچه وعده قطعی الهی است، اما مشروط به شروطی است. جبهه مقاومت اگر به دنبال تحقق سنت نصر است، در سطح فرایندی شروط پیشینی بسیاری را باید فراهم سازد که از مهم‌ترین آنها، ایمان و تقوای الهی، صبر و استقامت و استغاثه و درخواست امداد از خداوند و ولی اوست.

۲ـ۴. مقاومت شرط جریان سنت خلف

یکی از سنت‌های مشروط خداوند، سنت خلف است که دلالت می‌کند هر چیزی در راه خدا داده (انفاق) شود، خداوند آن را جایگزین، بلکه بهتر از آن را عطا می‌کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۱۸، ص۱۲۲؛ ترخان، ۱۴۰۳، ص۲۲۸–۲۳۱). قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبأ: ۳۹). امیرالمؤمنین﵇ باور به این سنت را عاملی برای سخاوتمندی توصیف می‌فرماید: «مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلَفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۱۳۸). این سنت نیز مشروط به انفاق در راه خدا است که خود مصداقی از استقامت در برابر بخل و ترس از فقر می‌باشد، اما مهم‌تر از انفاق مال، انفاق جان است. شهدا کسانی هستند که جان خود را در راه خدا انفاق کردند و خداوند در مقابل، حیاتی جاودانه و برتر به آنها عطا فرمود:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل‌عمران: ۱۶۹). نمونه بارز سنت خلف، امام حسین﵇ است که در راه خدا و مبارزه با ظالم، استقامت ورزید و در این راه از جان خود گذشت و خداوند زنده بودن ابدی، شفا در تربت، امامت در نسل، اجابت دعا زیر قبه را به وی عطا فرمود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۴، ص۴۵۲). بر اساس همین سنت است که حضرت زینب﵂ به یزید فرمود: « فَوَ اَللَّهِ لاَ تَمْحُو ذِكْرَنَا وَ لاَ تُمِيتُ وَحْيَنَا» (ابن‌طاووس، بی‌تا، ج۱، ص۱۷۴؛ همچنین، طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج۲، ص۳۰۷). بنابراین، سنت خلف یک قانون الهی است که در مسیر راهبرد مقاومت می‌تواند نقش‌آفرین باشد. اعتقاد به این سنت؛ مایهٔ امیدی برای جبههٔ مقاومت و عاملی برای تن ندادن به سازش است؛ زیرا باور دارد که هیچ چیز در راه خدا از دست نمی‌رود، بلکه به شکل بهتری بازگشت داده می‌شود. این سنت، به مستضعفانی که در تنگدستی و فشار اقتصادی به سر می‌برند، نوید می‌دهد که انفاق در راه خدا (حتی از مال اندک) نه‌تنها آنان را فقیرتر نمی‌کند، بلکه خداوند بهتر از آن را جایگزین می‌کند. این انفاق، هم شامل انفاق مالی و هم انفاق جانی (شهادت) می‌شود و نشانهٔ آن است که مقاومت از موضع ضعف، سرمایه‌گذاری برای قدرت آینده است.

بر این اساس، از سویی انفاق به‌عنوان الگویی از مقاومت در حوزهٔ عملیاتی، بستری را فراهم می‌کند که سنت خلف جاری شود که یکی از مصادیق آن، می‌تواند فتح و پیروزی جبهه مقاومت باشد. از سویی دیگر، اعتقاد به چنین سنتی، انگیزه لازم برای ادامه مقاومت را فراهم می‌سازد و باعث خواهد شد که جریان مقاومت استمرار یابد و شکست‌های ظاهری آن را متوقف نسازد.

۳ـ۴. مقاومت شرط جریان جعل امامت

واژهٔ «امام» در لغت به‌معنای پیشوا و آنچه بدان اقتدا می‌شود، آمده است (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج۵، ص۱۸۶۵). این مفهوم در قرآن کریم مصادیق متنوعی دارد و فراتر از یک رهبر سیاسی یا مذهبی معمولی به کار رفته است.

امامت در قرآن حقیقتی تشکیکی است؛ بدین معنا که یک حقیقت واحد با درجات مختلف در مصادیق مختلف از امام معصوم (بقره: ۱۲۴) تا امت صالح (قصص: ۵) و حتی امامان باطل (قصص: ۴۱؛ اسراء: ۷۱) ظهور می‌یابد و همین باعث شده است که ما با سه گونه از سنت جعل امامت مطلق رقابت‌ناپذیر، سنت امامت مشروط و سنت امامت مطلق رقابت‌پذیر مواجه شویم. البته ازآنجاکه تمرکز این قسمت، بر مقام امامت جامعه است که مشروط است و نیز در مقام اجرا، همه مصادیق امامت، مشروط به اراده انسان‌ها هستند، می‌توان این سنت را در ذیل سنن مشروط طبقه‌بندی کرد. توجه به توضیح زیر می‌تواند راهگشا باشد:

الف) سنت جعل امامت مطلق رقابت‌ناپذیر

در مصداق اتم آن، امامت، مقامی الهی و انتصابی است که خداوند آن را به بندگانی که مراحل سخت آزمایش، یقین و صبر را پشت سر گذارده‌اند (سجده: ۲۴)، اعطا می‌کند و به ظالمان نمی‌رسد (بقره: ۱۲۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۷۳ـ۲۷۴).

این منصب فراتر از نبوت بوده و شامل سه کارکرد اصلی است: هدایت تکوینی (ایصال به مطلوب، نه صرف ارائه طریق: انبیاء: ۷۳؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۱۳، ص۴۵۵)، تربیت باطنی (نفوذ روحانی در قلب‌های مستعد) و اجرای احکام و تشکیل حکومت برای تحقق عدالت اجتماعی (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۷۱؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۱، ص۴۴۱).

حال اگر امامت در همان مستوای معصوم دیده شود که از شئون خلافت انسان در زمین و برخی انبیاء الهی و سنت هدایت توسط انبیاء است، باید این سنت را در عداد سنت مطلق رقابت‌ناپذیر دانست؛ یعنی فرستادن چنین انسان‌هایی، معلول افعال و رفتار انسان‌ها نیست و از ابتدا با نخستین انسان در زمین، چنین جعلی صورت پذیرفته است؛ اما باید دانست که اجرای این سنت در مصداق خاص، مشروط به اراده انسان‌ها است؛ یعنی با اینکه براساس سنت جعل امامت مطلق، خداوند باید امامی را برای هدایت انسان‌ها بفرستد، در اینکه چه کسی شایستگی این مقام را پیدا می‌کند، بسته به اراده انسان‌ها و استقامت در برابر ابتلائات است. در آیهٔ «وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره: ۱۲۴)، مقام امامت حضرت ابراهیم﵇ که یک جعل توأمان تکوینی و تشریعی به‌شمار می‌آید، نتیجهٔ «ابتلاء» و سپس «اتمام کلمات» (یعنی استقامت و پیروزی در آزمون‌ها) دانسته شده است.

ب) سنت امامت مشروط

در مراتب پایین‌تر، اشخاص و جوامع نیز می‌توانند از جایگاه امامت برخوردار شوند؛ هرچند در مرتبه نازل‌تر و برخوردار از برخی شئون؛ مانند شأن «ارائه طریق». با لحاظ این نکته که تفاوت در همه این مراتب، تفاوت در مصادیق و در شدت و ضعف است، نه در اصل معنا و برای نائل آمدن به این مقام به تناسب آن جایگاه نیازمند صبر و شروط دیگری مانند شناخت و آگاهی و... است. این مرحله، بر خلاف مرحلهٔ قبل، از مصادیق سنت مشروط است؛ زیرا از سویی، این جایگاه بسته به تأمین شرایط است و لذا تضمینی وجود ندارد جامعه‌ای که به جایگاه امامت باریافته است، برای همیشه امام جوامع دیگر باشد: «عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (اسراء: ۸). از سویی دیگر، در قوانین تکوینی الهی، چنین سنتی وجود ندارد که وجود و حضور امام غیرمعصوم در سطح جامعه، یا فرد ضروری است؛ هرچند بر اساس قانون، غیرمعصوم در صورت کسب شرایط به مقام امامت خواهد رسید.

درهرحال، مقاومت در برابر فشارهای استکبار، با بهره‌گیری از صبر و استقامت، زمینهٔ جعل امامت را فراهم می‌کند و موجب خواهد شد که جامعهٔ مستضعف نیز امام جوامع دیگر شود.

قرآن در سورهٔ سجده می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده: ۲۴). در این آیه جعل امامت، مشروط به شرط «صبر» و «یقین به آیات الهی» دانسته شده است.

این آیه بر اساس توضیح علامه طباطبائی در *المیزان* (ج۱۴، ص۳۰۴) به هدایت تکوینی و باطنی «رساندن به مقصد» اختصاص دارد که از طریق «امر تکوینی» خداوند و توسط امامانی که دارای تصرف در نفوس هستند، انجام

می‌پذیرد و این مقام فراتر از مقام نبوت و راهنمایی معمولی است. بااین‌حال، بر اساس اصل تشکیکی بودن امامت، افراد دیگر یا جوامع، در صورتی به جایگاه امامت خواهند رسید (الگو و مقتدای دیگران می‌شوند) که متناسب با آن، مورد ابتلا قرار گیرند و بر آن صبوری کنند.

صبر در اینجا شامل صبر بر ابتلائات تکوینی (که مطلق و غیرقابل اجتناب است) و نیز صبر بر ابتلائات تشریعی (سنت ابتلائات مشروط که درنتیجه امر به معروف و نهی از منکر و جهاد پدید می‌آید) می‌گردد.

جامعهٔ اسلامی به دلیل ویژگی‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر و... دارای مقام «امامت»اند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل‌عمران: ۱۱۰).

این آیه نشان می‌دهد که امت اسلامی باید به گونه‌ای عمل کند که الگوی سایر امت‌ها گردد؛ زیرا «خیریت» با «امامت» تلازم وجودی دارد؛ یعنی امت اسلامی در پرتو عمل به معروف و ترک منکر و ایمان به خدا، جلوه‌هایی از خود بروز می‌دهد که ناخودآگاه دیگران را به خود جذب می‌کند و آنان را به پیروی وامی‌دارد. آنان اسوه و الگوی دیگران خواهند شد و دیگران به آن امت اقتدا خواهند کرد. همان‌گونه که ابراهیم و مؤمنان همراه او به دلیل همین ویژگی‌ها به‌عنوان «اسوه حسنه» معرفی شده‌اند: «قَد كانَت لَكُم أُسوَةٌ حَسَنَةٌ فی إبراهیمَ وَالّذینَ مَعَهُ» (ممتحنه: ۴) و در پرتو همین «خیریت» و «اسوه شدن» به جایگاه امامت بار یافته‌اند.

البته بر اساس روایات شیعه، مصداق اتمّ و حقیقی آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» و لفظ «خیر امت»، پیامبر و امامان معصوم﵈ هستند (بحرانی، ۱۳۸۹، ج۳، ص۱۳۸) که دارای مقام «امامت» الهی‌اند؛ اما این آیه، مسلمانان را درصورتی‌که امر به معروف، نهی از منکر کنند و ایمان داشته باشند، بهترین امت و الگوی بشریت معرفی می‌کند؛ درواقع این آیه دلالت بر «الگو بودن» و «برتری جامعهٔ اسلامی، نسبت به سایر ملل» دارد، اما این برتری مشروط به حفظ آن ویژگی‌هاست و لزوماً به‌معنای اعطای مقام «امامت» (به‌معنای خاص کلامی و ولایت تکوینی) به تک‌تک افراد یا کل جامعه به صورت استقلالی نیست (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج۳، ص۳۷۶).

درهرحال، بر اساس آیهٔ فوق، این مقام مشروط به «امر به معروف و نهی از منکر» و «ایمان به خدا» است که هر دو نیازمند مقاومت در برابر فشارهای دشمنان و نیز مقاومت در برابر هواهای نفسانی می‌باشد. به بیانی دیگر، رسالت مقاومت از نگاه الهیات اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر (مبارزه با ظلم ظالمان داخلی و خارجی) است. طبیعی است که چنین وضعیتی مصداق ابتلای مشروط است که باید بر آن صبر کرد. این همان ابتلائات اختیاری است که گرفتاری‌ها و شدائدی را بر جبهه مقاومت تحمیل می‌کند؛ زیرا مستکبران عالم وقتی کسی را در مقابل خود ببینند که مانعی برای آنها ایجاد و آنها را نهی از منکر می‌کنند، او را به حال خود رها نمی‌کنند و مشکلاتی را بر وی تحمیل می‌کنند. بر این اساس، جریان سنت جعل امامت در گرو صبر بر ابتلائات اختیاری هم می‌باشد.

اهل باطل نیز برای رسیدن به ریاست و رهبری در مسیر گمراهی، باید تلاش کنند و استقامت به خرج دهند؛

همان‌گونه که جبههٔ استکبار با صرف هزینه‌های سنگین در تلاش است تا هژمونی خود را حفظ کند. تفاوت در هدف و جهت است، نه در اصل ضرورت تلاش.

از آیات ۱۴۰ـ۱۴۱ سورهٔ آل‌عمران که مربوط به جنگ احد است، استفاده می‌شود که نائل شدن به چنین جایگاهی بدون اجرای سنت مداوله و دو سنت پیرو آن، یعنی «تمییز و تمحیص» میسر نیست: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل‌عمران: ۱۴۰ـ۱۴۱). سنت «مداوله» (جابه‌جایی سرنوشت‌ها و روزگار میان انسان‌ها) نشان می‌دهد که قدرت و سرزمین‌ها زودگذرند و خداوند آن را به گونه‌ای تنظیم کرده که امید، در دل صالحان زنده بماند و در صورت کوتاهی، از آنان سلب شود. خداوند در این آیات مؤمنان را به صبر بر جراحات و شکست‌های ظاهری فرا می‌خواند و آنان را از ناامیدی برحذر می‌دارد. در ادامه، «تمییز» (جدا شدن مؤمنان از منافقان) و «تمحیص» (خالص‌سازی درونی و پالایش معنوی) به‌عنوان دو فرایند مکمل معرفی می‌شوند که تنها در بستر سنت ابتلا، که گاه با شکست‌های ظاهری همراه است، قابل تحقق‌اند. به‌عبارت‌دیگر، جریان سنت ابتلا شرایط لازم را برای پالایش صفوف مؤمنان و تمییز آنان از دیگران فراهم می‌سازد.

آیهٔ ۵۴ سورهٔ مائده در توصیف جبهه مقاومت مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده: ۵۴). ویژگی‌های این گروه دقیقاً با تعریف مقاومت همخوانی دارد: «أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (تواضع در برابر مؤمنان) نشانه نرمش درونی، «أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ» (سربلندی در برابر کافران) نشانهٔ ایستادگی است و «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» بیان می‌کند که آنان از سرزنش سرزنش‌کنندگان هراسی ندارند و در برابر فشارهای سیاسی و اجتماعی استقامت می‌ورزند. این آیه به وضوح به امامت قومی اشاره دارد که خدا دوستشان دارد و در پرتو مقاومت اجتماعی و مجاهدت در راه خدا به چنین جایگاهی نائل آمده‌اند.

ج) سنت جعل امامت مطلق رقابت‌پذیر

حلقهٔ پایانی و قسم سوم سنت جعل امامت، سنت استخلاف صالحان است که در پایان تاریخ رقم خواهد خورد و باید آن را از سنن مطلق رقابت‌پذیر دانست. به این سنت و نسبتی که مقاومت با آن دارد در محور سوم بدان خواهیم پرداخت.

نتیجه اینکه امامت به‌عنوان مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در ساختار قدرت، از مسیر استقامت مستضعفان حاصل می‌شود و البته مقاومت، به‌عنوان یک راهبرد اجتماعی و فرایندی بلندمدت از نقطهٔ ضعف آغاز می‌شود و با رسیدن به جایگاه الگو برای دیگر جوامع (امامت) پایان می‌یابد. وجه سلبی آن، صبر بر اذیت و آزار استکبار، و وجه ایجابی آن، تقویت بنیه ایمانی و یقین به آیات خداست.

۵. نسبت مقاومت با سنت‌های مطلق رقابت‌پذیر

دستهٔ سوم از سنن، سنت‌هایی هستند که اصل تحقق آنها حتمی و غیرقابل تخلف است و انسان‌ها نمی‌توانند مانع اجرای اصل آن شوند؛ هرچند خداوند با اراده انسان‌ها این سنن را محقق می‌کند و انسان‌ها می‌توانند با آن رقابت کنند و در کمّیت و کیفیت آن تأثیرگذار باشد (ر.ک. صدر، ۱۳۹۸ق، ص۹۲-۱۰۲). به این سنن «رقابت‌پذیر» می‌گوییم؛ زیرا انسان‌ها در چارچوب آن می‌توانند رقابت و نتایج متفاوتی را کسب کنند. مهم‌ترین نمونه از این دست سنت‌ها، «سنت استخلاف صالحان و وراثت زمین» است.

در آیهٔ ۵ سورهٔ قصص آمده است: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». هرچند این آیه، ناظر به یک رخداد تاریخی مشخص، یعنی پیروزی بنی‌اسرائیل بر فرعونیان و به قدرت رسیدن آنان در مصر و شام است که آنان پس از سال‌ها تبعیت، پیشوا شدند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج۱۵، ص۹)؛ اما مفسرانی مانند علامه طباطبائی تأکید دارند که این رخداد به دلیل آلودگی بنی‌اسرائیل به نفاق و فسق، مصداق کامل و نهایی وعده الهی برای تشکیل «جامعهٔ صالح» نیست.

خداوند در آیه‌ای دیگر آن رخداد را این‌گونه ترسیم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵). این آیه یک وعده قطعی الهی است: صالحان حتماً جانشین زمین خواهند شد. اما تحقق این وعده در چه زمانی و با چه سرعتی و با چه کیفیتی رخ می‌دهد؟ این موارد به عملکرد خود مؤمنان بستگی دارد. اگر مؤمنان به وظایف خود (ایمان، عمل صالح، صبر، جهاد و...) به‌درستی عمل کنند، استخلاف زودتر و کامل‌تر محقق می‌شود؛ و اگر کوتاهی کنند، استخلاف به تأخیر می‌افتد و یا با شدت و ضعف همراه می‌گردد.

سیاق این آیه و عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ» (کسانی از شما که ایمان آوردند) نشان می‌دهد که خطاب اصلی آیه متوجه امت پیامبر اسلامﷺ است، نه بنی‌اسرائیل. آیه وعده‌ای برای آینده مسلمانان است که در آن به سرنوشت پیشینیان (بنی‌اسرائیل، یا مؤمنان خالص از امت‌های گذشته) استدلال و بیان می‌شود: همان‌طورکه به آنان (که مستضعف بودند) حکومت دادیم، به شما نیز خواهیم داد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج۱۵، ص۲۰۹-۲۱۰؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۱۴، ص۵۲۶).

گذشته تاریخ، هرچند مصادیق جزئی و ناقصی از حاکمیت صالحان (مانند دوران داود، سلیمان یا صدر اسلام) را به خود دیده است، اما تحقق کامل و فراگیر این سنت (حکومت جهانی، امنیت مطلق، و خلوص جامعه از شرک و نفاق) هنوز اتفاق نیفتاده است. زمان تحقق این سنت و استقرار حکومت توحیدی، در آخرالزمان و به دست حضرت مهدیؑ محقق خواهد شد. این وعده الهی تخلف‌ناپذیر است و در زمان مقتضی خود جامه عمل خواهد پوشید (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج۱۵، ص۲۲۱ـ۲۱۷)؛ زیرا این آیه، سه ساحت اساسی از آینده تاریخ را ترسیم می‌کند: نخست،

«استخلاف در زمین»؛ دوم، «تمکین دین مرضیّ الهی»؛ و سوم، «تبدیل خوف به امنیت». این سه‌گانه، در قرائت مهدوی از آیه، تصویری جامع از دولت حق ارائه می‌دهد. خلافت صالحان صرفاً به‌معنای جابه‌جایی سیاسی قدرت نیست، بلکه دلالت بر انتقال محور اداره زمین از نظام‌های ظلم‌پایه به حاکمیت اولیای الهی دارد. همچنین تمکین دین، صرف حضور اسمی دین در عرصه عمومی نیست، بلکه استقرار مقتدرانه و جهانی دینی است که خدا آن را برای بشر پسندیده است. در نهایت، تبدیل خوف به امنیت نیز فقط امنیت روانی یا انتظامی نیست، بلکه امنیتی همه‌جانبه است که در پرتو رفع ظلم، استقرار عدالت و پایان سلطه طاغوت‌ها حاصل می‌شود.

اما نقش مقاومت در جاری شدن این سنت چیست؟ ازآنجاکه تأثیر اراده در جاری شدن این سنت بینابینی است، باید مقاومت از نقش همسانی با آن برخوردار باشد:

الف. صبر بر ابتلائات به‌مثابه شرط اجرای سنت استخلاف

مقاومت، شرط نیل به مقام امامت در دو مصداق پیشین امامت است و آن دو را باید از مقدمات جعل امامت در مصداق سوم به‌شمار آورد. ازاین‌رو مقاومت به صورت غیرمستقیم در استخلاف مؤثر است.

در نظام سنن الهی، توالی منطقی به این صورت است: سنت ابتلاء (مطلق و مشروط) ← سنت جعل امامت (مطلق و مشروط) ← سنت استخلاف (مطلق رقابت‌پذیر).

پیش از این، از مصداق دوم سنت جعل امامت سخن گفتیم. این مقام بدون جریان سنت ابتلاء و صبر بر آن میسر نیست (آل‌عمران: ۱۴۰ـ۱۴۱). در نگاه تمدنی، مردم باید در زمان غیبت، غربال و تصفیه شوند (مجلسی، ۱۳۶۲، ج۵، ص۲۱۶) و به این آمادگی برسند که سنت استخلاف در حق آنان اجرا شود. با جریان سنت ابتلا و مقاومت جوامع مستضعف و مظلوم با پالایش افقی (تمییز) و پالایش عمودی (تمحیص) به این صلاحیت می‌رسند که امام جوامع دیگر بشوند و در نهایت زمین را از آن خود کنند. این وراثت به‌معنای نابودی ظالمان و پیروزی جبههٔ مقاومت است و در چنین بستری است که این پیروزی حاصل می‌شود.

بر این اساس، آیات یادشده، مبارزه تاریخی میان حق و باطل را در نقطه‌ای روشن و معنادار فرجام می‌بخشد؛ به‌این‌معنا که مجاهدت مؤمنان در تاریخ، نه پراکنده و بی‌سرانجام، بلکه مقدمهٔ تحقق وعده‌ای بزرگ‌تر خواهد بود.

ب. نقش اراده انسان‌ها در تحقق این سنت

خداوند با اراده انسان‌ها این سنن را محقق می‌کند. تحلیل این مسئله همانند تحلیلی است که درباره حفظ دین، قرآن و حمایت از مؤمنان ارائه می‌شود. خداوند وعده فرموده که دینش را حفظ کند: «فَقَدْ وَكَّلْنا بِها قَوْماً لَيسُوا بِها بِكافِرين» (انعام: ۸۹). معنای این سخن آن است که اگر عده‌ای نسبت به دین کافر شوند، آیین حق زمین نمی‌ماند؛ زیرا کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند، ولی این افتخار ماست که ما از آن عدّه باشیم. چنانچه در این‌باره در جایی دیگر می‌فرماید: «و اگر شما روی بگردانید خدا قومی غیر شما که مانند شما نیستند به جای شما

پدید می‌آورد» (محمد: ۳۸). این مسئله به‌معنای آن نیست که حفظ دین به سببی نیاز ندارد یا اساساً امکان آسیب زدن به دین وجود ندارد یا دین از دست گروه معاندین و جهال آسیب ندیده و نخواهد دید.

خداوند با اسبابی که همیشه وجود دارند، دین‌اش را حفظ می‌کند. آنچه از ما می‌خواهند این است که ما تلاش کنیم خود را در زمره افرادی قرار دهیم که از اسباب حفظ دین به‌شمار می‌آیند، نه اینکه اگر ما یاری‌گر دین نبودیم، دین از بین می‌رود و حیات و ممات دین وابسته به یاری ماست. بالاخره هستند افرادی که از دین حمایت کنند.

همچنین وعده به حفظ قرآن: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) و حمایت از مؤمنان: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (حج: ۳۸) به‌معنای این نیست که اساساً قرآن و مؤمن هیچ‌گونه آسیبی نخواهند دید؟ یا دیگران هیچ‌گونه مسؤلیتی برای حفظ قرآن یا دفاع از مؤمنان ندارند؟ خداوند حفظ قرآن و دفاع از مؤمنان را با اسبابی تحقق می‌بخشد که یکی از آنها تلاش و مجاهدت علمی و عملی مؤمنان است و علی البدل کسانی وجود خواهند داشت که مقاومت و ایستادگی می‌کنند و لذا همیشه این سبب وجود دارد.

حتی اگر یک نسل یا جامعه از انجام وظیفه خود سرباز زند، خداوند نسل یا جامعه دیگری را جایگزین می‌کند و استخلاف از طریق آنها محقق می‌گردد. این معنای «رقابت‌پذیری» است: همیشه کسانی هستند که با مقاومت خود، زمینه را برای تحقق وعده الهی فراهم می‌کنند. بنابراین، اگر ما مقاومت نکنیم، دیگران می‌کنند و ما از فیض استخلاف محروم می‌شویم. این نکته انگیزه‌ای برای مسابقه در مقاومت و عدم توقف بر شکست‌های موقت است.

نتیجه اینکه در سنن مطلق رقابت‌پذیر، مقاومت نقشی در اصل تحقق سنت ندارد؛ (زیرا سنت مطلق است)، اما نقشی تعیین‌کننده در کمّیت، کیفیت، سرعت و سهم‌گیری جوامع خاص از آن سنت دارد. به‌عبارت‌دیگر، مقاومت تعیین می‌کند که کدام گروه از مؤمنان، در چه زمانی و با چه درجه‌ای از تمکین، می‌توانند در این سنت نقش‌آفرینی کنند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت، اولاً مقاومت دو معنا در سطح راهبردی و فرایندی دارد. در کاربرد اول، مقاومت مختص جوامع مستضعف و مظلوم است که در شرایط عدم توازن قدرت، با هدف تغییر ساختار سلطه‌گر و رسیدن به جایگاه قدرت، اتخاذ می‌شود. در کاربرد دوم، مقاومت فرایندی ترکیبی از وجه سلبی و ایجابی می‌باشد که در طول زمان و به ترتیب طی می‌گردد تا اهداف نهایی محقق شود. در این معنا صبر و ایستادگی در برابر استکبار، یکی از راهکارهای تحقق مقاومت تلقی می‌شود. در این نوشتار هر دو معنا مد نظر بوده و البته تلاش شده است با قرائنی از خلط بین این دو معنا جلوگیری شود.

ثانیاً نسبت میان «مقاومت» و «سنت‌های الهی» را نمی‌توان به یک شکل بر همه سنن تعمیم داد. این نسبت بر اساس جایگاه اراده انسانی در تحقق هر سنت، دست‌کم به سه گونه متفاوت قابل تقسیم است:

نخست: سنن مطلقِ رقابت‌ناپذیر (همچون امداد عام، هدایت عامه و ابتلاء). در این سنن، مقاومت نه در اصل

وقوع، بلکه در جهت‌دهی به نتایج و بهره‌مندی از مراتب عالی آن نقش ایفا می‌کند. به‌عبارت دقیق‌تر، این سنن حتماً جاری می‌شوند؛ اما انسان‌ها و جوامع با مقاومت یا عدم مقاومت خود تعیین می‌کنند که از کدام مسیر هدایت یا امداد بهره ببرند.

دوم: سنن مشروط (همچون نصر الهی، خلف و جعل امامت). در این سنن، مقاومت شرط اصلی و پیشینی تحقق سنت است. اگر مقاومت نباشد، آن سنت به‌هیچ‌وجه جریان نخواهد یافت. ازاین‌رو خداوند در آیات متعددی صبر، استقامت، جهاد و استغاثه را شرط امامت و نصرت قرار داده است.

سوم: سنن مطلقِ رقابت‌پذیر (همچون استخلاف صالحان). در این سنن، اصل تحقق قطعی و غیرقابل تخلف است، اما کمّیت، کیفیت، سرعت و میزان بهره‌مندی جوامع خاص به میزان مقاومت آنان بستگی دارد. به تعبیری، انسان‌ها در چارچوب این سنن با یکدیگر رقابت می‌کنند و هرچه مقاومت بیشتر باشد، نتیجه بهتر و سریع‌تر حاصل می‌شود.

این سه گونه نسبت، در یک نگاه کلان نشان می‌دهد که مقاومت به‌عنوان یک راهبرد کلان اجتماعی، نه یک توصیهٔ اخلاقی صرف، بلکه عنصری ساختاری در نظام تدبیر الهی است که تحقق آن مستلزم طی فرایندهای مشخصی (مانند صبر سازمان‌یافته، جهاد هوشمندانه، استغاثه و تقویت بنیه‌ها) است. درک این رابطهٔ دوگانه (راهبردی ـ فرایندی) به ما کمک می‌کند تا جایگاه دقیق مقاومت را در نظام سنن الهی ترسیم کنیم. درک این جایگاه، دو پیامد مهم دارد: اول آنکه مؤمنان نباید از شکست‌های ظاهری مأیوس شوند. دوم آنکه تقویت روحیهٔ مقاومت، نه‌تنها یک وظیفهٔ شرعی، بلکه هوشمندانه‌ترین راهبرد برای هماهنگی با قوانین حاکم بر تاریخ و تمدن بشری است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). قم: هجرت.

ابن‌طاووس، علی بن موسی (بی‌تا). *اللهوف علی قتلی الطفوف*. تهران: جهان.

ایزدهی، سیدسجاد (۱۴۰۵). *فقه مقاومت در فقه شیعه*. قم: پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم.

بحرانی، هاشم (۱۳۸۹). *البرهان* (ترجمه تفسیر روایی البرهان). ترجمهٔ رضا ناظمیان، علی گنجیان و صادق خورشا. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.

برازش، علیرضا (۱۳۹۴). *تفسیر اهل بیت*. تهران: امیرکبیر.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵، Khamenei.ir

بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۸/۳/۱۴، Khamenei.ir

ترخان، قاسم (۱۴۰۳). *سنت‌های الهی اجتماعی و پیشرفت*. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ترخان، قاسم و جهانیان، ناصر (۱۴۰۱). نقش سنت‌های اجتماعی در پیشرفت پایدار از منظر قرآن (مطالعه موردی در علم اقتصاد). *قرآن‌پژوهی*، ۵، ص۹-۳۵.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تسنیم*. تحقیق عبدالکریم عابدینی. چ دوم. قم: اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). *الصحاح*. چ سوم. بیروت: دارالعلم.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه*. قم: مؤسسهٔ آل‌البیت.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *لغت‌نامه دهخدا*. چ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.

سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۸ق). *المدرسة القرآنیة*. چ سوم. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی. تهران: کانون انتشارات محمدی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج*. تحقیق محمدباقر موسوی خرسان. مشهد مقدس: المرتضی.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محمدی گیلانی، محمد و قربانی لاهیجی، زین‌العابدین (۱۳۸۵). *قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر*. چ دوم. تهران: سایه.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مصطفوی، حسن (۱۳۷۱). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

نفیسی، علی‌اکبر (بی‌تا). *فرهنگ نفیسی*. تهران: خیام.